

مقایسه حافظه رویدادی و معنایی در حافظان قرآن کریم و غیر حافظان
*Compartion of episodic and semantic memory in memorizers
and non-memorizers of the Holy Quran*

Mohsen Arefian

MA Student of Clinical Psychology, University of Shiraz
Seyed Mohammad Hosein Mosavi Nasab Assistant
Professor of Psychology Department, Shahid Bahonar
University of Kerman

Abstract

Aim: The purpose of present study is to compare episodic and semantic memory in memorizers of the Holy Quran, memorizing and non-memorizers. **Method:** To achieve this aim, 90 persons were chosen randomly which include 30 un-memorized (15 men and 15 women) from Azad university of Jahroom, 30 memorizing and 30 memorized of the Quran among the Beit Al-Ahzan Institution of Jahroom. Episodic memory and semantic memory tests were used and statistical analyses were performed by one-analysis of variance. **Result:** Significant differences observed between all groups, memorizers in term of episodic and semantic memory as compared with non-memorizers. **Concluded:** The findings revealed that there is a high correlation between episodic and semantic memory and memorizing of Quran improves the performance of episodic and semantic memory.

Keywords: Memory, Episodic memory, Semantic memory, Memorize the Quran.

محسن عارفیان

دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی-دانشگاه شیراز
m.arefian92@gmail.com

سید محمد حسین موسوی نسب

استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید
باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی حافظه رویدادی و معنایی در سه گروه حافظان کل قرآن کریم، حافظان نصف قرآن (۱۵ جزء) و غیر حافظان بود. **روش:** در این مطالعه علی-مقایسه‌ای ۹۰ نفر حافظ، نیمه حافظ از موسسه بیت الاحزان و غیر حافظ از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم (از هر گروه ۳۰ نفر) به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار بررسی حافظه رویدادی و معنایی شامل آزمون‌های حافظه آینده‌نگر، بازنمایی چهره و اسم، یادآوری جملات و آزمون یادآوری حروف بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS بوسیله آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** حافظان کل و حافظان ۱۵ جزء در هر دو حافظه رویدادی و معنایی تفاوت معناداری نسبت به غیر حافظان داشتند ($P < 0/001$)، اما تفاوت معناداری در حافظه رویدادی و معنایی حافظان کل و حافظان ۱۵ جزء دیده نشد. **نتیجه:** حفظ نیم و یا کل قرآن کریم، موجب بهبود عملکرد حافظه رویدادی و معنایی می‌شود، البته عمده تغییرات سطح عملکرد این دو نوع حافظه در طول حفظ ۱۵ جزء صورت می‌گیرد. این یافته بیانگر ارتباط تنگاتنگ حافظه رویدادی و معنایی با یکدیگر است. **کلیدواژه:** حافظه، حافظه رویدادی، حافظه معنایی، حفظ قرآن کریم.

مقدمه

از میان مشکلات بزرگی که فراوی روان‌شناسان شناختی قرار دارد، هیچ یک به اندازه ماهیت ساختار حافظه مغز مبهم نیستند. از اولین پژوهش‌های انجام شده بر حافظه حدود ۱۳۰ سال می‌گذرد و در این مدت تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای حافظه ارائه شده است که یکی از کلی‌ترین و درعین حال قدیمی‌ترین آنها تقسیم حافظه به دو بخش کوتاه مدت^۲ و بلند مدت^۳ بوده است (رسولو، ۱۹۹۱). در سال‌های اخیر و با پیشرفت هرچه بیشتر تجهیزات، پژوهشگران قادر به تشخیص و طبقه‌بندی دقیق‌تر حافظه شده‌اند. یکی از این پژوهش‌گران که در ۴۰ سال اخیر انواع جدیدی از حافظه بلند مدت را معرفی و مورد پژوهش قرار داد، تولوینگ^۴ است. تولوینگ (۱۹۷۲) حافظه آدمی را شامل نظام‌های گوناگون و مستقل از یکدیگر می‌داند. تولوینگ چهار نوع حافظه بلندمدت شامل حافظه رویه‌ای^۵، حافظه ادراکی^۶، حافظه رویدادی^۷ و حافظه معنایی^۸ را معرفی کرده و در سال ۱۹۹۱ با اضافه کردن حافظه کوتاه مدت نظام حافظه پیشنهادی خود را تکمیل کرد (تولوینگ، ۱۹۹۴). به نظر وی هر یک از این نظام‌های حافظه ممکن است به زیرنظام‌های کوچک‌تری تقسیم شود. عملیات نظام‌های بالاتر به عملیات نظام‌های پایین‌تر وابسته است. در نظام‌های حافظه تولوینگ، دو نظام حافظه رویدادی و معنایی بیش از سایر نظام‌ها مورد توجه قرار گرفته است (تولوینگ، ۱۹۷۸، ۱۹۸۷، ۱۹۷۲). حافظه رویدادی مرکز تجارب انسان است و قابلیت ذخیره و بازیابی اطلاعات مربوط به رویدادها و تجربیات شخصی دارد (تولوینگ، ۱۹۷۲، ۱۹۸۳). به عبارت دیگر حافظه رویدادی شامل اتفاقاتی است که در زمان و مکان مشخص رخ داده و معمولاً جزئیات هیجانی، ادراکی و احساسی آن اتفاق در حافظه ثبت می‌شود (تولوینگ، ۲۰۰۲، آدیس، ۲۰۰۴). یکی از عناصر اصلی حافظه رویدادی که آن را از انواع دیگر حافظه متمایز می‌کند این است که، فرد قادر است هر زمان که بخواهد، یک رویداد مشخص را به واسطه به یاد آوردن، در ذهنش تجربه کند و احساسات و هیجانات همراه آن اتفاق مشخص را به یاد آورد (ولزر، ۱۹۹۷). به نقل از دسروچر، (۲۰۱۲). حافظه معنایی، حافظه کلمات، مفاهیم، قواعد و ایده‌های مجرد است و برای استفاده از زبان ضروری است (تولوینگ، ۱۹۷۲). تولوینگ حافظه معنایی را اینگونه توصیف می‌کند: یک خزانه ذهنی^۹ برای دانش سازمان‌یافته شخص در مورد کلمات و دیگر نمادهای کلامی، معنی و ارجاعات آنها است، حافظه معنایی در مورد روابط میان آنها و در مورد قواعد، فرمول‌ها و الگوریتم‌ها برای دستکاری این نمادها، مفاهیم و مناسبات است. حافظه معنایی خصوصیات قابل درک درون‌داده‌ها را ثبت نمی‌کند، بلکه بیشتر ارجاعات شناختی نشانه‌های درون‌داد را حفظ می‌نماید (تولوینگ، ۱۹۷۲). بنابراین، حافظه معنایی مستقل از زمان، مکان و هرگونه احساس و هیجانی در گذشته است (لوین، ۲۰۰۲) که در قالب گزاره‌ها، شبکه‌ها و طرحواره‌ها ذخیره می‌شود (نیکدل و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های تجربی قبلی نشان می‌دهد که حافظه رویدادی و معنایی تحت تأثیر عوامل مختلف مانند سن (بکمن و همکاران، ۲۰۰۱). موسوی نسب و همکاران، (۲۰۱۵)، جنسیت (هرلیتز و همکاران، ۲۰۱۰)، سلامتی (نیلسون و همکاران، ۲۰۰۴)، وضعیت تأهل (موسوی نسب و همکاران، ۲۰۱۲) قرار دارد. همچنین پژوهش‌های قبلی نشان داده است که با افزایش سطح تحصیلات (کرامر و

¹ Short – Term Memory

² Long – Term Memory

³ Tulving

⁴ Procedural memory

⁵ Perceptual memory

⁶ Episodic memory

⁷ Semantic memory

⁸ Mental Thesaurus

همکاران، ۲۰۰۴) و یا سطح فعالیت‌های شناختی و اجتماعی (موسوی‌نسب و همکاران، ۲۰۱۴)، حافظه رویدادی و معنایی تحت تأثیر قرار گرفته و عملکرد بهتری نشان می‌دهد، اما آنچه مسلم است، آن است که کسب یک مهارت موجب تقویت حافظه مرتبط با آن مهارت می‌شود (اریکسون، ۱۹۸۲). فرایند حفظ قرآن کریم نیز یک فعالیت شناختی محسوب می‌شود و با کارکردهای حافظه ارتباط تنگاتنگی دارد. در نگاه اول و بر اساس تعریف حافظه معنایی، به نظر می‌رسد حفظ قرآن کریم با حافظه معنایی در تعامل باشد که پژوهش‌های پیشین نیز این تعامل را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهشی با عنوان انواع حافظه حافظان قرآن در کشور مراکش انجام گرفت، نمونه‌ای شامل ۳۸۴ آزمودنی حافظ قرآن و غیر حافظ که در دامنه سنی ۶ تا ۲۳ سال قرار داشتند، به صورت تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که حافظان قرآن نسبت به دانش آموزان غیر حافظ به طور معناداری از حافظه معنایی بهتری برخوردارند (به نقل از نصرتی، ۱۳۹۳). در مطالعه دیگری با عنوان قرآن و حافظه (۲۰۱۱)، رم^۹ به بررسی نحوه به خاطر سپردن آیات قرآن از سوی حافظان قرآن پرداخت. وی ارتباط بین اطلاعات غیر قرآنی (حفظ بخشی از جملات انجیل) را به دو گروه حافظ و غیر حافظ قرآن ارائه نمود. بخشی از جملات انجیل از سوی نویسندگان در بیمارستان آدلپورک و دانشگاه بریتانیا به عربی ترجمه شده بود. بر طبق نتایج تحقیق، حافظان قرآن به طور معنادارتری جملات انجیل را بهتر از غیر حافظان به خاطر می‌آوردند. اما مطالعه دیگری (کرمی و نصرتی، ۱۳۸۱) حافظه رویدادی و معنایی را در دانش آموزان دختر حافظ قرآن و غیر حافظ قرآن مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که دانش آموزان حافظان قرآن در هر دو حافظه رویدادی و معنایی از گروه کنترل عملکرد بهتری داشتند. بنابراین مطالعاتی که تا به امروز انجام گرفته‌اند، عمدتاً حافظه معنایی را مورد بررسی قرار داده و یا صرفاً حافظان قرآن را با غیر حافظان بررسی کرده‌اند و حافظان نیم قرآن کریم با حافظان کل و یا غیر حافظان مورد بررسی قرار نگرفته است. اهمیت بررسی حافظان نیم قرآن کریم برای تبیین روند تغییر کارکرد انواع حافظه اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین مطالعه حاضر به این منظور انجام گرفته است تا انواع حافظه رویدادی و معنایی را به عنوان دو نظام عمده در حافظه بلندمدت در افراد حافظ قرآن مورد بررسی قرار دهد و نتایج آن را با انواع حافظه در افراد نیمه حافظ و غیر حافظ مورد مقایسه قرار دهد. هدف بررسی این نکته بود که آیا افراد حافظ در مقایسه با افراد غیر حافظ از عملکرد بهتر حافظه برخوردارند و اگر چنین است در کدام نوع حافظه عملکرد بهتری دارند. همچنین بررسی این نظر که آیا افراد حافظ کل قرآن کریم نسبت به افراد حافظ ۱۵ جزء نیز عملکرد بهتری در انواع حافظه نشان می‌دهند یا خیر؟

روش

روش این پژوهش، پس رویدادی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. پژوهش حاضر شامل سه گروه نمونه غیر حافظ، نیمه حافظ و حافظان کل قرآن کریم بود. نمونه‌گیری گروه غیر حافظ، به صورت خوشه‌ای بود که از میان تمامی رشته‌های مشغول به تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵، چهار رشته (پرستاری، کامپیوتر، معماری و مامایی) به صورت تصادفی انتخاب و از میان دانشجویان حاضر در رشته‌های انتخابی، ۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد به صورت تصادفی انتخاب شد. نمونه حافظان کل قرآن کریم و نیمه حافظان از جامعه قرآن آموزان موسسه بیت الاحزان شهرستان جهرم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود. قرآن آموزانی که ۱۵ جزء قرآن را در طول ۱۵ ماه حفظ کرده بودند شامل ۱۱۰ نفر بودند که نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام شد و ۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد انتخاب شد. در گروه حافظان کل قرآن کریم، به علت تعداد کم آزمودنی و در دسترس نبودن تمام آزمودنی‌ها، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، ۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد انتخاب شد. بنابراین در هر گروه ۳۰ نفر و در مجموع ۹۰ نفر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

⁹ Reem

ابزار

به منظور ارزیابی حافظه رویدادی از پنج ابزار سنجش، استفاده شد که عبارت است از آزمون حافظه آینده نگر:^{۱۱} متشکل از یک سؤال است به این صورت که در ابتدای آزمون، از شرکت‌کننده خواسته می‌شود که در پایان، به آزمونگر یادآوری کند که برگه‌ای را به او بدهد. در صورتی که شرکت‌کننده یادآوری کند که برگه را دریافت کند نمره یادآوری را کسب می‌کند، و در غیر این صورت نمره آزمون را از دست می‌دهد.

آزمون بازشناسی چهره و اسم: این آزمون شامل دو مرحله است. مرحله نخست شامل ۱۶ عکس چهره پسر و دختر (۸ عکس پسر و ۸ عکس دختر) است که هر عکس به وسیله رایانه و به مدت ۸ ثانیه به شرکت‌کننده نشان داده می‌شود و در قسمت پایین هر عکس اسمی نوشته شده است که از شرکت‌کننده خواسته می‌شود به عکس و اسم دقت کرده و اسم را با صدای بلند بخواند. سپس از آزمودنی خواسته می‌شود که به یک کار شناختی بپردازد که در این مرحله از دو تست دیگر ارزیابی حافظه رویدادی استفاده شد. مرحله دوم پس از گذشت حدود ۲۰ دقیقه از پایان مرحله اول آغاز می‌شود. در این مرحله به شرکت‌کننده ۲۴ عکس نشان داده می‌شود که در قسمت پایین هر عکس ۴ اسم نمایش داده می‌شود. ۱۲ عکس از ۲۴ عکسی که در این مرحله نمایش داده می‌شود، تصاویری است که آزمودنی در مرحله نخست دیده است و ۱۲ تصویر دیگر جدید است و قبلاً به او نشان داده نشده است. پس از نمایش هر عکس از مشارکت‌کننده خواسته می‌شود که به این سؤال پاسخ دهد که آیا آن عکس را در مرحله اول دیده است یا خیر. چنانچه مشارکت‌کننده تأیید کند که قبلاً تصویر را دیده است باید یکی از ۴ نام نمایش داده شده در زیر تصویر را انتخاب کرده و بگوید که نام عکس چه بوده است. برای نمره‌گذاری آزمون چهره، تعداد پاسخ‌های صحیح منهای تعداد پاسخ‌های غلط به عنوان نمره نهایی در نظر گرفته شد. برای نمره‌گذاری آزمون اسم تعداد پاسخ‌های صحیح به عنوان نمره نهایی تلقی شد.

آزمون یادآوری جملات: این آزمون به دو صورت کلامی و عملی اجرا گردید. دو فهرست شامل ۱۶ ماده که دارای جملاتی شامل اسم و فعل که مربوط به یک عمل ساده (مثلاً کتاب را بلند کن) می‌شد مورد آزمون قرار گرفت. هر فهرست شامل ۴ مقوله و در مجموع دو فهرست شامل ۸ مقوله می‌شد که عبارت از اعضای بدن، لوازم التحریر، ابزار، میوه، لوازم آشپزخانه، حیوان، پوشیدنی‌ها و خواندنی‌ها بود. روش اجرای تست به این صورت بود که برای فهرست عملی آزمونگر ابتدا هر جمله را می‌خواند و از شرکت‌کننده می‌خواست که جمله را با توجه به وسایلی که در اختیارش قرار داده می‌شد به صورت عملی اجرا کند (هر آیت ۸ ثانیه). برای فهرست کلامی آزمونگر هر جمله را می‌خواند و سپس از شرکت‌کننده می‌خواست که جمله را پس از او تکرار نماید. پس از اتمام هر فهرست جملات از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد که جملات را به یاد بیاورند. برای نمره‌گذاری این آزمون برای هر فهرست جداگانه از تعداد جملات صحیحی که به طور کامل یادآوری شدند استفاده گردید.

به منظور سنجش حافظه معنایی از سه ابزار استفاده شد که عبارت است از آزمون‌های یادآوری حروف: از شرکت‌کنندگان خواسته شد هر تعداد کلمه که با حرف «ن» شروع می‌شوند و هم چنین کلماتی را که با حرف «ب» شروع می‌شوند و ۵ حرف دارند و مشاغلی را که با حرف «م» شروع می‌شوند، هر کدام را در یک دقیقه نام ببرند. نمره‌گذاری شامل تعداد کلمات یادآوری شده صحیح در هر آزمون بود.

جهت بررسی روایی مجموعه تکالیف حافظه رویدادی و حافظه معنایی به ۱۰ نفر از اساتید و دانشجویان روان‌شناسی با گرایش شناختی ارائه گردید و نظر آنان بر اساس یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد. از هر کدام از

¹⁰ Prospective memory

آن‌ها خواسته شد که مشخص کنند هر یک از این تکالیف تا چه اندازه حافظه رویدادی و معنایی را مورد سنجش قرار می‌دهند. نتایج نشان داد که همبستگی ۰/۹۵ بین نظرات ارزیابی کنندگان وجود دارد. بدین معنا که از نظر ارزیابی کنندگان تکالیف ارائه شده با حافظه رویدادی و معنایی ارتباط داشته و آنها را مورد سنجش قرار می‌دهد. جهت بررسی پایایی از روش پایایی آزمون-بازآزمون استفاده گردید. تعداد ۵۰ آزمودنی با فاصله زمانی ۱۰-۱۵ روز مورد سنجش مجدد قرار گرفتند. نتایج نشان داد که همبستگی بازآزمون برای تست‌های حافظه آینده نگر، ۰/۴۲، حافظه عملی، ۰/۷۶، حافظه کلامی، ۰/۷۸، بازشناسی چهره، ۰/۷۲، حافظه اسمی، ۰/۳۵، یادآوری کلمات با حرف «ن»، ۰/۸۳، کلمات ۵ حرفی با «ب»، ۰/۵۳، و مشاغل با حرف «م»، ۰/۷۳ بود.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه متغیر حافظه، فاصله‌ای است، و استفاده از آزمون شاپیرو-ویک^{۱۲}، تخطی از مفروضه به هنجار بودن نشان نداد، داده‌های حافظه رویدادی و معنایی بر حسب میزان حفظ قرآن کریم (غیر حافظ، نیمه حافظ و حافظ کل) به کمک روش تحلیل واریانس یک راهه با استفاده از نرم افزار آماری ۱۶ - spss تجزیه و تحلیل شدند.

جدول ۱: توزیع نمره حافظه بر حسب میزان حفظ قرآن کریم

حافظه	گروه	تعداد	میانگین	انحراف
معنایی	غیر حافظ	30	8307.0/-	5507.0/
	حافظ نیم قرآن	30	2976.0/	4605.0/
رویدادی	حافظ کل	30	5297.0/	6033.0/
	غیر حافظ	30	6755.0/-	4889.0/
حافظ کل	حافظ نیم قرآن	30	2899.0/	4221.0/
	حافظ کل	30	3829.0/	4313.0/

لازم به ذکر است که قبل از تحلیل‌های استنباطی نمرات حاصل از داده‌های خام بر اساس میانگین و انحراف معیار به نمرات Z تبدیل گردیدند. براساس نمرات Z پنج خرده مقیاس حافظه رویدادی یک نمره کل برای حافظه رویدادی و براساس نمرات Z سه خرده مقیاس حافظه معنایی نمره کل حافظه معنایی به دست آمد. در جدول شماره ۱، توزیع افراد گروه نمونه بر اساس میزان حفظ قرآن کریم نشان داده شده است.

جدول ۲: تحلیل واریانس حافظه بر حسب حفظ قرآن کریم

حافظه	منابع تغیر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	p
معنایی	بین گروه	31/77268	2/00	15/8863	54/185	0/001
	درون گروه	25/50719	87/00	0/2931		
کل		57/27987	89			
رویدادی	بین گروه	20/60587	2/00	10/3029	51/234	0/001
	درون گروه	17/49526	87/00	/201		
کل		38/10113	89			

تحلیل واریانس نمره‌های حافظه معنایی بر حسب وضعیت حفظ قرآن کریم نشان داد که در حافظه معنایی، دست کم بین دو گروه از سه گروه تفاوت معناداری وجود دارد، $P < 0/001$ و $F_{(2,87)} = 54.18$. بنابراین فرض صفر پژوهش حاکی از اینکه بین حافظه معنایی حافظان قرآن با غیر حافظان تفاوت معناداری وجود ندارد، رد شد. تعقیب تفاوت‌ها به کمک آزمون توکی نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه حافظین ۱۵ جزء و گروه غیر حافظ در حافظه معنایی وجود دارد $p=0/001$. به عبارت دیگر، حافظین ۱۵ جزء، میانگین حافظه معنایی بیشتری ($M:0/29$, $SD:0/46$) در مقایسه با افراد غیر حافظ ($M:-0/83$, $SD:0/55$) دارند. همچنین بررسی

¹¹ Shapiro-Wilk

تفاوت‌ها به کمک آزمون توکی نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه حافظ کل قرآن و گروه غیرحافظ در حافظه معنایی نیز وجود دارد $p=0/001$. به عبارت دیگر، افراد حافظ کل قرآن کریم میانگین حافظه معنایی بیشتری ($M:0/50$, $SD:0/60$) در مقایسه با افراد غیر حافظ ($M:-0/83$, $SD:0/55$) دارند. آزمون توکی، شفه و آل اس دی، تفاوت معناداری بین گروه حافظ ۱۵ جزء و حافظ کل قرآن کریم در حافظه معنایی نشان نداد. تحلیل واریانس نمره‌های حافظه رویدادی بر حسب وضعیت حفظ قرآن کریم نشان داد که در حافظه رویدادی نیز، دست کم بین دو گروه از سه گروه تفاوت معناداری وجود دارد، $P < 0/001$ و $F_{(2,87)} = 51/23$. بنابراین فرض صفر پژوهش حاکی از اینکه بین حافظه رویدادی حافظان قرآن با غیر حافظان تفاوت معناداری وجود ندارد، رد شد. تفاوت‌ها به کمک آزمون توکی نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه حافظ کل قرآن و گروه غیرحافظ در حافظه رویدادی وجود دارد $p=0/001$. به عبارت دیگر، افراد حافظ قرآن کریم میانگین حافظه رویدادی بیشتری ($M:0/38$, $SD:0/43$) در مقایسه با افراد غیر حافظ ($M:-0/67$, $SD:0/48$) دارند. همچنین تعقیب تفاوت‌ها به کمک آزمون توکی نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه حافظ ۱۵ جزء و گروه غیرحافظ در حافظه رویدادی نیز وجود دارد $p=0/001$. به عبارت دیگر، افراد حافظ ۱۵ جزء میانگین حافظه رویدادی بیشتری ($M:0/28$, $SD:0/42$) در مقایسه با افراد غیر حافظ ($M:-0/67$, $SD:0/48$) دارند. آزمون توکی، شفه و آل اس دی، تفاوت معناداری بین گروه حافظ ۱۵ جزء و حافظ کل قرآن کریم در حافظه رویدادی نشان نداد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مقایسه حافظه رویدادی و معنایی حافظان کل قرآن کریم، حافظان ۱۵ جزء و غیر حافظان بود. همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، در حافظه معنایی بین گروه حافظان قرآن کریم و غیر حافظان تفاوت معنادار است. اگرچه پژوهش‌های کمی به بررسی نقش حفظ قرآن کریم بر کارکردهای شناختی خصوصاً حافظه پرداخته است، اما پژوهش‌های فراوانی افزایش سطح تحصیلات را یک عامل مهم در عملکرد بهتر حافظه معنایی معرفی کرده‌اند (کرامر و همکاران، ۲۰۰۴) که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. با توجه به این موضوع که حافظه معنایی با ذخیره نسبتاً پایدار اطلاعات عمومی فرد سر و کار دارد و مستلزم نوع کلی‌تر شناخت است و در واقع یک نوع رمزگردانی عمیق اطلاعات است (تولوینگ، ۲۰۰۲) میزان آموزش و تحصیلات افراد می‌تواند یک عامل تاثیرگذار در عملکرد این نوع حافظه تلقی شود. همچنین این یافته، با پژوهش دیگری که واگنر (۱۹۷۸) با هدف بررسی انواع حافظه حافظان قرآن کریم کشور مراکش انجام داد، همسو است. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که در حافظه رویدادی نیز بین گروه حافظان قرآن کریم و غیر حافظان تفاوت معنادار است که این نتایج مطالعات قبلی (کرمی و نصرتی، ۱۳۸۱) همخوان است. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که ارتباط تنگاتنگ میان حافظه رویدادی و معنایی هنگام اولین مرحله از بازیابی اطلاعات، یعنی زمانی که اطلاعات معنایی مورد بازیابی قرار می‌گیرد، ایجاد می‌شود (کانوی و پلیدیل، ۲۰۰۰؛ اسوبودا و همکاران، ۲۰۰۶) و بازیابی اطلاعات معنایی جزو اصلی‌ترین فعالیت‌های حافظان قرآن کریم است که در فرایند حفظ و مرور آیات قرآن کریم بدان می‌پردازند. بنابراین این یافته بدین صورت تبیین می‌شود که همگام با بازیابی اطلاعات معنایی هنگام حفظ و مرور آیات قرآن کریم، حافظه معنایی به علت وجود ارتباط تنگاتنگ با حافظه رویدادی در مرحله بازیابی، فعال شده و این فعال شدن به مرور زمان موجب افزایش سطح عملکرد حافظه معنایی و رویدادی می‌شود. هرچند مضامین آیات قرآن کریم و داستان‌های قرآنی موجود در آن که باعث تصویرسازی ذهنی آیات، هنگام قرائت و حفظ آنها می‌شود نیز می‌تواند در بهبود سطح عملکرد حافظه رویدادی تاثیرگذار باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان دو گروه حافظان کل و نیمه حافظان تفاوت معناداری در حافظه رویدادی و معنایی وجود نداشت. هرچند حافظان کل در حافظه معنایی عملکرد بهتری داشتند، اما معنادار نبود. پژوهش پیشین در مورد این یافته یافت نشد و این یافته نشان می‌دهد که مرور آیات حفظ شده (که فرایندی برای حفظ محفوظات است) در افزایش سطح عملکرد حافظه رویدادی

و معنایی نقش چندانی ندارد، و آنچه تاثیرگذار است، حفظ آیات قرآن است. چرا که حافظان کل قرآن کریم پس از حفظ کل قرآن، تنها به مرور آیات حفظ شده مشغول بوده‌اند و این فعالیت موجب افزایش سطح عملکرد حافظه رویدادی و معنایی در آنها نشده است، هرچند که مانع کاهش سطح عملکرد این دو حافظه بوده است. همچنین این یافته نشان می‌دهد که عمده تاثیرگذاری حفظ قرآن کریم بر حافظه رویدادی و معنایی در طول ماه‌های آغازین حفظ قرآن ایجاد می‌شود، چرا که حافظان کل قرآن کریم در حافظه رویدادی و معنایی با حافظان ۱۵ جزء از قرآن کریم تفاوت معناداری نداشته‌اند.

با وجود اینکه پژوهش حاضر نشان داد که حفظ قرآن کریم موجب بهبود عملکرد حافظه معنایی و همچنین حافظه رویدادی می‌شود اما پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که بین این دو حافظه تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. بر اساس نظریه تولوینگ (۲۰۰۲)، حافظه رویدادی دیرتر از حافظه معنایی رشد پیدا می‌کند. پژوهش‌های بعدی این تفاوت میان دو حافظه را تأیید کرده و نشان داده‌اند که حافظه رویدادی و معنایی از نظر سیر رشد و تحول متفاوت هستند (پیولینو، ۲۰۰۷. موسوی‌نسب و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین این دو حافظه از نظر فعالیت‌های عصبی زیربنای برای ایجاد حافظه نیز، با یکدیگر متفاوت هستند (لوین، ۲۰۰۴. مگیوری و مومری، ۱۹۹۹). پژوهش‌ها نشان داده است که بازیابی اطلاعات بویژه اطلاعات حافظه معنایی، عمدتاً با فعالیت هیپوکامپ در ارتباط است (مومری، ۱۹۹۹). فرایند حفظ قرآن کریم نیز عمدتاً با اطلاعات و حافظه معنایی سروکار دارد، با این حال، در پژوهش حاضر نشان داده شد که حافظان قرآن کریم در حافظه رویدادی نیز، عملکرد بهتری نشان داده‌اند که حاکی از ارتباط تنگاتنگ این دو حافظه است که این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی همراستا است (کانوی و پلیدیل، ۲۰۰۰؛ اسوبودا و همکاران، ۲۰۰۶) و نشان می‌دهد که تقویت حافظه معنایی، با عملکرد بهتر حافظه رویدادی همراه است. تولوینگ (۱۹۸۷) نیز به نقش تعاملی این دو نوع حافظه اشاره کرده‌است و کرمی (۱۳۸۱) معتقد است که بین این دو نوع حافظه تعامل وجود دارد. از سوی دیگر حافظه معنایی نیز در حفظ و یادآوری رویدادها و وقایع دخیل و در آن‌ها تأثیرگذار است و چه بسا که درک بیشتر معانی و مطالب مرتبط با مهارت شخص موجب می‌شود تا شخص مهارت یافته در حافظه، در یادآوری وقایع و رویدادهای مرتبط با زمان و مکان نیز به طور شایسته و مطلوب عمل کند.

منابع

- سولو، رابرت آل. (۱۹۹۱). روان‌شناسی شناختی. ترجمه: فرهاد ماهر (۱۹۸۱). تهران: رشد.
- کرمی‌نوری، ر. نصرتی، ک. (۱۳۸۱). بررسی انواع حافظه در دانش‌آموزان دختر حافظ قرآن و غیر حافظ قرآن. تازه‌های علوم شناختی. شماره ۳، ص ۱۲-۲۶
- نصرتی، ک. (۱۳۹۳). نقش حفظ قرآن در حافظه رویدادی و معنایی دانش‌آموزان. مجله تحقیقات علوم رفتاری. شماره ۱۲. ص ۲۴۴-۲۵۳.
- نیکدل، ف. کرمی‌نوری، ر. عرب زاده، م (۱۳۸۸). بررسی نقش خودکارآمدی حافظه بر عملکرد حافظه رویدادی و معنایی. تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱۱، ص ۱۹-۲۶.
- Addis, D. R., Moscovitch, M., Crawley, A. P., and McAndrews, M. P. (2004). Recollective qualities modulate hippocampal activation during autobiographical memory retrieval. *Hippocampus*, 14, 752-762.
- Bäckman, L., Small, B. J., & Wahlin, Å. Aging and memory. (2001). Cognitive and biological perspectives. In J. E. Birren, & K. W. Schaie (Eds.), *Handbook of the psychology of aging* (5th ed., pp. 349-377). San Diego CA: Academic Press.
- Chase, W. G., & Ericsson, K. A. (1982). Skill and working memory. In G. H. Bower (Eds.), *The psychology of learning and motivation* (Vol. 16., pp. 1-58). New York: Academic Press.
- Conway, M. A., and Pleydell-Pearce, C. W. (2000). The construction of autobiographical memories in the self memory system. *Psychol Rev.* 107, 261- 288.

- Herlitz, A., Lovén, J., Thilers, P., & Rehnman, J. Sex differences in episodic memory. (2010). The where but not the why. In Bäckman, L., & Nyberg, L. (Eds.), *Memory, aging and the brain* (pp. 132-143). New York Psychology Press.
- Farzaneh Badinlou, Reza Kormi-Nouri, S. M. Hossein Mousavi Nasab & Monika Knopf (2015): Developmental differences in episodic memory across school ages: evidence from enacted events performed by self and others. *Memory*; 1 - 11
- Kramer AF, Bherer L, Colcombe SJ, Dong W, Greenough WT. (2004). Environmental Influences on Cognitive and Brain Plasticity During Aging. *Journals of Gerontology: Biological Sciences and Medical Sciences*; 59A(9):940-957.
- Levine, B. (2004). Autobiographical memory and the self in time: brain lesion effects, functional neuroanatomy, and lifespan development. *Brain Cogn.*55, 54-68.
- Levine, B., Svoboda, E., Hay, J. F., Winocur, G., and Moscovitch, M. (2002). Aging and autobiographical memory: dissociating episodic from semantic retrieval. *Psychol Aging*17, 677 - 689.
- Maguire, E. A., and Mummery, C. J. (1999). Differential modulation of a common memory retrieval network revealed by positron emission tomography. *Hippocampus* 9, 54-61.
- Mousavi-Nasab, S. M. H., Kormi-Nouri, R., Sundström, A., & Nilsson, L-G. (2012). The effects of marital status on episodic and semantic memory in healthy middle-aged and old individuals. *Scandinavian Journal of Psychology*; 53: 1-8.
- Mousavi-Nasab, M., H. Kormi-Nouri, R. Nilsson, L-G. (2014). Examination of the bidirectional influences of leisure activity and memory in old people: A dissociative effect on episodic memory. *British Journal of psychology*; 105: 382-398.
- Nilsson, L-G., Adolfsson, R., Bäckman, L., de Frias, C., Molander, B., & Nyberg, L. (2004). A prospective cohort study on memory, health, and aging. *Aging, Neuropsychology, and Cognition*; 11: 134-148.
- Piolino, P., Hisland, M., Ruffeveille, I. Matuszewski, V., Jambaqué, I., and Eustache, F. (2007). Do school-age children remember or know the personal past? *Conscious Cogn.* 16, 84-101.
- Reem Al- Attas. (2011) The Qur'an and memory a (study of the effect of religiosity and memorizing Qur'an as a factor on memory). *Journal of Alzheimer's & Dementia*; 4(4): S641.
- Svoboda, E., McKinnon, M. C., and Levine, B. (2006). The functional neuroanatomy of autobiographical memory: a meta-analysis. *Neuropsychologia* 44, 2189-2208.
- Tulving E. (2002) Episodic memory: from mind to brain. *Annu. Rev. Psychol* 2002; 53(9): 1-25.
- Tulving, E. (1972) *Episodic and semantic memory*. New York: Academic Press. p. 381-403.
- Tulving, E. (1983) Relation among component and processes of memory. *Behavioral and brain science*. 7, 268-257.
- Tulving, E. (1978). *Episodic and semantic memory*. In E. Tulving & W. Donaldson (Eds.). *Organization of memory*, New York: academic press.
- Tulving, E. (1987). *Episodic process in recall and recognition*. *Recall and recognition*. New York: John Wiley & sons. (pp. 37 - 73).
- Tulving, E., & Schacter, D. L. What are the memory systems of (1994). In D. L. Schacter, & E. Tulving (Eds.), *Memory systems*. (pp. 203-231). Cambridge MA: MIT Press; 1994.
- Wheeler, M. A., Stuss, D. T., and Tulving, E. (1997). Toward a theory of episodic memory: the frontal lobes and autonoetic consciousness. *Psychol Bull.*121, 331-354.
- Willoughby, Karen A. Desrocher, Mary. Levine, Brian. And Rovet, Joanne F. (2012). Episodic and semantic autobiographical memory and everyday memory during late childhood and early adolescence. *Frontiers in Psychology*. 53.